

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر ابن الدین "سعیدی-سعیدافغانی"

۰۳ سپتمبر ۲۰۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خدای بخشاینده ومهربان

ترجمه و تفسیر سورة الحشر- ۶



شناخت اَسْمَاء و صفات الله:

خداشناس‌ترین انسان؛ شخصی است که از الله تعالی بیشتر می‌ترسید و تقوای بیشتری داشت باشد. مفسرین بدین نظر اند شخصی که بخواهد پروردگارش را بشناسد و یا شناختش را نسبت به الله تعالی تکمیل نماید در برابرش، هیچ راهی جز شناخت وی از راه نصوص و حیاتی که؛ اوصاف و اعمال و اَسْمَاء وی را صراحتاً بیان می‌دارند را دیگری وجود ندارد؛ زیرا خداوند متعال را نمی‌توان با چشمان و یا در دنیا مشاهده کرد، پس باید کوشید که با مراجعه به نصوص دینی وی را شناخت.

الله تعالی خود را برای بندگان خویش چنین تعریف و بیان می‌دارد: «اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ

عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» (سورة البقرة: ۲۵۵). (الله آن ذاتی است هیچ معبودی بحق غیر از او وجود ندارد (که) همیشه زنده و پایدار است (تدبیر تمام کائنات در دست اوست)، او را نه پینکی می‌آید و نه خواب یعنی از کائنات یک لحظه غافل نمی‌باشد) هرچه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است خاص از اوست، کیست که نزد او شفاعت کند مگر به اجازه او، آنچه را که پیش روی آنها است و آنچه را که پشت سر آنها است می‌داند (یعنی از احوال حاضر و آینده انسانها باخبر است) و مردم از علم او آگاهی نمی‌یابند،

مگر آن مقداری که او بخواید. کرسی او آسمانها و زمین را فرا گرفته است و نگهداری آنها (آسمانها و زمین) او را خسته نمی‌سازد، و او عالیت‌ر و بزرگتر است.)

همچنین طوری که در آیت (۲۳ سوره الحشر) خواندیم: « خداوند آن ذاتی است که جز او معبود حقی وجود ندارد؛ او فرمانروا، منزله، بی‌عیب و نقص، امان‌دهنده و امنیت بخشنده، محافظ و مراقب، قدرتمند و چیره، بزرگوار و شکوهمند، و والامقام و فرازمند است.»

علم به صفات و اسماء الله:

قبل از همه باید گفت که علم صفات و اسماء خدا یکی از دو رکن توحید است، اهمیت علم به اسماء و صفات خداوند متعال در این است که شناخت آنها یکی از دو رکن توحید به شمار می‌آید و توحید بزرگترین مسأله‌ای است که انبیاء علیهم السلام برای تثبیت آن آمده‌اند.

خواننده محترم!

در این هیچ جای شک نیست که ایمان با علم و عمل افزایش می‌یابد؛ هر اندازه که علم انسان نسبت به الله تعالی و عظمت اش بیشتر شود، به همان اندازه، ایمان وی نیز زیاد خواهد شد. همچنین هرگاه انسان به اوامر خداوند متعال لیبیک گوید، ایمانش سیر صعودی طی می‌نماید و اگر علم و عمل انسان اندک باشد، ایمان نیز سیر نزولی طی خواهد نمود؛ خداوند متعال می‌فرماید: «وَإِذَا مَا أَنْزَلَتْ سُورَةً فَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ أَيْكُم زَادَتْهُ هُدًى إِيْمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيْمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ، وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كُفْرُونَ » (سوره التوبة: ۱۲۴-۱۲۵). (و چون سوره ای نازل شود پس از میان آنها (منافقان) کسی هست که (به طور استهزاء) می‌گوید: ایمان کدام یک از شما را این (سوره) افزود؟ (بگو): اما آنانی که ایمان آورده‌اند البته بر ایمان آنها افزوده است و آنها خوش و شادمان می‌شوند. (۱۲۵) و اما آنانی که در دل‌هایشان مرض (شک و نفاق) است، (آن سوره) پلیدی بر پلیدی سابق‌شان افزود و سرانجام در حالت کفر می‌میرند).

بلی، مؤمنان آیات نازل شده و علوم و قوانینی را که در بر دارند، با عزم به عمل کردن به آنها تصدیق می‌نمایند و این، باعث افزایش ایمان آنها می‌گردد. اما منافقان به خاطر تکذیب آیات الهی و عدم استجابت، کفرشان افزایش می‌یابد.

علم به اسماء و صفات خداوند متعال، درک معنای آنها، عمل به محتوایشان و خواستن از خداوند متعال به وسیله آنها در دل بندگان خدا تعظیم، تقدیس، محبت، امید، ترس، توکل، و انابت ایجاد می‌کند؛ طوری که خداوند متعال در دل آنها به مثل اعلی در خواهد آمد که هیچ شریکی در ذات و صفاتش ندارد. همچنین هیچ کس نمی‌تواند چنین جایگاهی در قلب انسان داشته باشد. اینجا است که توحید قلبی متحقق می‌گردد، عبودیت خداوند متعال تجلی پیدا می‌کند، دلها در برابر عظمت و جلال خداوند خاشع و فروتن می‌گردند و تمام وجود انسان در برابر قدرت باری تعالی سر تعظیم فرود می‌آورد.

تعداد نامهای خداوند متعال:

تعدادی از علماء معتقدند که نامهای خداوند منحصر به نود و نه اسم‌اند و بیشتر از این نیستند و در این راستا از حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم استدلال می‌نمایند که بر همین عدد تصریح نموده است.

ابن حزم می‌گوید: «خداوند دارای نود و نه نام است که معروف به أسماء الله الحسنی هستند و هر کس از طرف خودش، چیزی به آنها اضافه کند، در این باره دچار انحراف شده است. و آنها همان اسم‌هائی هستند که در قرآن و سنت ذکر شده. (المحلی (۳۰/۱) ابن حزم.)

ایشان با سند خودش این حدیث را آورده است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند نود و نه اسم دارد. یعنی یکی کمتر از صد. هر کس که آنها را حفظ نماید، به بهشت می‌رود». در روایت هم‌ام که یکی از روایان این حدیث است علاوه بر آن، آمده است که: «خداوند فرد است و عدد فرد را دوست دارد».

سپس ابن حزم می‌گوید: «به صحت رسیده است که خداوند دارای نود و نه اسم می‌باشد؛ لذا برای هیچ کس جایز نیست که برای خداوند نام دیگری را جایز بداند، چرا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمود: «خداوند نود و نه اسم دارد یعنی یکی کمتر از صد» (المحلی (۳۰/۱) ابن حزم.)

اما جمهور علماء منحصر دانستن نامهای خداوند را در این تعداد نمی‌پسندند و آنچه که آنها را به این سمت سوق داده است، وجود نصوصی است که دال بر این است که تعداد آنها بیشتر از این می‌باشد.

ابن حجر عسقلانی / می‌گوید: «جمهور علماء معتقدند که نامهای خداوند متعال در این تعداد منحصر نمی‌شود؛ بلکه بیشتر از این است و امام نووی نقل کرده است که علماء بر این رأی، اتفاق نظر دارند... و این دیدگاه را روایت ابن مسعود از رسول الله ص که امام احمد آن را روایت کرده و ابن حبان آن را صحیح دانسته، تأیید می‌نماید: «أَسْأَلُكَ بِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ، سَمَّيْتَ بِهِ نَفْسَكَ، أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي كِتَابِكَ، أَوْ عَلَّمْتَهُ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ، أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ، أَنْ تَجْعَلَ الْقُرْآنَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجَلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي». «الهی! من به وسیله هر اسمی که خود را بدان نام نهاده‌ای، یا در کتابت نازل نموده‌ای، یا به یکی از مخلوقاتت تعلیم داده‌ای، یا ترجیح داده‌ای که نزد تو در علم غیب بماند، از تو مسألت می‌نمایم که قرآن را بهار دلم، نور سینه‌ام و برطرف کننده غم و اندوه من بگردانی».

أسماء الله الواردة در کتاب الله:

أسماء الله که در کتاب الله ذکر گردیده اند عبارتند از:

- ۱- الله: معبود مطلق، ۲- الاحد: یگانه، ۳- الاعلی: والا در ذات و صفات، ۴- الاکرم: نیکوکار، ۵- الإله: معبود به حق، ۶- الاول: اول بلا ابتداء، ۷- الآخر: آخر بلا انتها، ۸- الظاهر: بلندمرتبه و غالب، ۹- الباطن: نهان و ناپیدا، ۱۰- الباری: آفریدگار، ۱۱- البر: خیر و نیکوکار، ۱۲- البصیر: بینا، ۱۳- التواب: بسیار توبه‌پذیر، ۱۴- الجبار: بسیار قادر و عظیم، غلبه‌کننده، ۱۵- الحافظ: نگهدار، ۱۶- الحسیب: مراقب و حسابرس، ۱۷- الحفیظ: بسیار نگهدار، ۱۸- الحفی: مهربان، ۱۹- الحق: حق، ۲۰- المبین: آشکار، ۲۱- الحکیم: با حکمت، ۲۲- الحلیم: بردبار، الحمید: ستایش شده، الحی: زنده، ۲۵- القیوم: (پاینده) بی نیاز، ۲۶- الخبیر: آگاه، ۲۷- الخالق: آفریننده، ۲۸- الخلاق: بسیار آفریننده، ۲۹- الرؤف: بسیار مهربان، ۳۰- الرحمن: بخشاینده، ۳۱- الرحیم: مهربان، ۳۲- الرزاق: روزی‌دهنده، ۳۳- الرقیب: مراقب، ۳۴- السلام: میرا از عیب، ۳۵- السميع: شنونده، الشاکر: سپاسگزار، ۳۷- الشکور: بسیار سپاسگزار، الشهید: حاضر و گواه، ۳۹- الصمد: کسی که برای رفع همه‌ی نیازها رو به سوی او می‌شود، ۳۰- العالم: دانا، ۴۱- العزیز: شکست‌ناپذیر، ۴۲- العظیم: بزرگوار، ۴۳- العفو: بسیار باگذشت، ۴۴- العلیم: بسیار دانا، ۴۵- العلی: دارای علو مطلق، ۴۶- الغفار: بسیار آمرزنده، ۴۷- الغفور: آمرزنده، ۴۸- الغنی: دارای غنای مطلق، ۴۹- الفتاح: گشاینده، ۵۰- القادر: توانا، ۵۱- القاهر: غالب و مسلط، ۵۲- القدوس: منزه، ۵۳- القدیر: توانا، ۵۴- القریب: نزدیک، ۵۵- القوی: نیرومند، ۵۶- القهار: بسیار غلبه‌کننده، ۵۷- الکبیر: بزرگ، ۵۸- الکریم: صاحب کرم، ۵۹- اللطیف: باریک بین آگاه، ۶۰- المؤمن: ایمنی

بخش، ۶۱- المتعال: بزرگوار و والا، ۶۲- المتکبر: برتر از آن که بر کسی ستم کند، ۶۳- المتین: استوار، ۶۴- المجیب: اجابت‌کننده، ۶۵- المجید: صاحب مجد و بزرگواری، ۶۶- المحیط: احاطه‌کننده بر همه هستی، ۶۷- المصور: صورت‌گر، ۶۸- المتقدر: توانا و قدرتمند، ۶۹- المقیت: روزی‌دهنده، ۷۰- الملک: پادشاه، ۷۱- الملک: پادشاه توانا، ۷۲- المولی: سرور و سرپرست، ۷۳- المهیم: مطلع بر نهان و آشکار، ۷۴- النصیر: یار و پشتیبان، ۷۵- الواحد: تنهای بی‌نظیر، ۷۶- الوارث: وارث، ۷۷- الواسع: گشاینده، ۷۸- الودود: بسیار مهربان، ۷۹- الوکیل: حافظ و نگهبان، شاهد، ۸۰- الولی: سرپرست و یاور، ۸۱- الوهاب: بسیار بخشنده.

اسماء الله وارده در احادیث نبوی:

اسماء الله که در احادیث صحیح رسول الله صلی الله علیه وسلم وارد گردیده است عبارتند از:

۸۲- الجمیل: زیبا، ۸۳- الجواد: بسیار بخشنده، الحکم: دادگر عادل، ۸۵- الحیی: صاحب حیا، ۸۶- الرب: پروردگار، ۸۷- الرفیق: دارای رفق و مهربانی، ۸۸- السبوح: بی‌نهایت منزّه، ۸۹- السید: سرور و آقا، ۹۰- الشافی: شفا‌دهنده، ۹۱- الطیب: پاک، ۹۲- القابض: پس‌گیرنده، ۹۳- الباسط: گستراننده، ۹۴- المقدم: جلو‌برنده، ۹۵- المؤخر: تأخیر‌دهنده، ۹۶- المحسن: احسان‌کننده، ۹۷- المعطی: عطا‌کننده، ۹۸- المنان: دهنده نعمت‌های بزرگ، ۹۹- الوتر: منفرد و تک و تنهای بی‌مانند.

{ البته لازم به ذکر است که هر چقدر بخواهیم معانی این کلمات (اسماء و صفات خداوند) را دقیق بنویسیم ولی باز هم در برگیرنده معانی و محتوای دقیق زبان عربی نمی‌باشد. زیرا ترجمه، با عین زبان اصلی مشابه نیست و دربرگیرنده تمام آن معنای زبان اصلی نخواهد بود. }

این بود ذکر ۸۱ اسم در قرآن کریم و ۱۱۸ اسم در سنت رسول خدا صلی الله علیه وسلم که آنها را بعد از پیگیری در قرآن و سنت جمع آوری کرده ایم هر چند که در اسم (الحفی) مترددم. زیرا به صورت مقید در کلام خدا به نقل از ابراهیم؛ آمده است: « قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا » (مریم / ۴۷)

و همچنین نسبت به «محسن» این تردید وجود دارد، چون ما دربارهٔ روایان این حدیث که در طبرانی وارد شده است اطلاعی حاصل نکردیم، ولی شیخ الاسلام آن را از جمله اسماء الله برشمرده است.

و بعضی از اسماء الله به صورت مضاف می‌باشند، مانند؛ (مالک الملک، ذو الجلال و الاکرام).

پایان

مکثی کوتاهی بر بعضی منابع و مأخذ: تفسیر «احمد»

۱- تفسیر و بیان کلمات قرآن کریم:

تألیف شیخ حسن بن محمد مخلوف و اسباب نزول تألیف: علامه جلال الدین سیوطی ترجمه: از عبد الکریم ارشد فاریابی.

۲- تفسیر انوار القرآن:

تألیف عبدالرؤف مخلص هروی، «تفسیر انوار القرآن» گزیده ای از سه تفسیر: فتح القدر شوکانی، تفسیر ابن کثیر و تفسیر المنیر و هبه الزحیلی می‌باشد.

۳- تفسیر معالم التنزیل - بغوی (متوفی سال ۵۱۶ هـ):

تفسیر البغوی تألیف حسین بن مسعود بغوی می‌باشد. این تفسیر به زبان عربی نوشته شده، و از تفسیر الکشف و البیان ثعلبی بسیار متأثر می‌باشد.

۴- تفسیر زاد المسیر فی علم التفسیر:

تألیف: ابن جوزی ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۵۱۰ هجری / ۱۱۱۶ میلادی - ۱۲ رمضان ۵۹۲ هجری) («زاد المسیر فی علم التفسیر» مشهور به «زاد المسیر»، تفسیر متوسط ابن جوزی می باشد که این تفسیر خلاصه از تفسیر بزرگ وی به نام المغنی فی تفسیر القرآن می باشد.)

۵- البحر المحيط فی التفسیر القرآن: ابو حیان الأندلسی:

تألیف: محمد بن یوسف بن علی بن حیان نفری غرناطی (۶۵۴ - ۷۴۵ق) مشهور به ابو حیان غرناطی. تفسیر «البحر المحيط» به زبان عربی می باشد.

۶- تفسیر تفسیر القرآن الکریم - ابن کثیر:

تفسیر القرآن العظیم تألیف عماد الدین اسماعیل بن عمر بن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴ق) مشهور به ابن کثیر. (جلال الدین سیوطی، مفسر و قرآن شناس بزرگ اسلامی می فرماید: (ابن کثیر تفسیری دارد، که در سبک و روش همانندش نگاشته نشده است.)

۷- تفسیر بیضاوی:

یا «أنوار التنزیل و أسرار التأویل، مشهور به «تفسیر بیضاوی» در قرن هفتم هجری به زبان عربی نوشته شده. تألیف ناصر الدین عبد الله بن عمر بیضاوی (متوفی سال ۷۹۱ هـ)

۸- تفسیر الجلالین « التفسیر الجلالین»:

مؤلف جلال الدین محلی و شاگردش جلال الدین سیوطی (وفات جلال الدین محلی سال ۸۶۴ و وفات جلال الدین سیوطی سال ۹۱۱ هـ) این تفسیر در قرن دهم هجری به زبان عربی و از معدود تفاسیری است که توسط چند عالم نوشته شده باشد.

۹- تفسیر جامع البیان فی تفسیر القرآن - طبری:

محمد بن جریر طبری متولد (۲۲۴ وفات ۳۱۰ هجری قمری) در بغداد ویا (۸۳۹ - ۹۲۳ میلادی) وی یکی از محدثین ، مفسر و مؤرخ مشهور سده سوم قمری است .

۱۰- تفسیر ابن جزی التسهیل لعلوم التنزیل:

تألیف محمد بن احمد بن جزی غرناطی الکلبی مشهور به جَزَیّ (متوفی ۷۴۱ق) یکی از موجزترین و در عین حال مفیدترین و فراگیرترین تفاسیر مغرب اسلامی است.

۱۱- تفسیر صفوة التفاسیر:

تألیف محمد علی صابونی (مولود ۱۹۳۰ م) این تفسیر در سال ۱۳۹۹ق نوشته شده است. نویسنده در تدوین این تفسیر از مهم ترین و معتبرترین کتب تفسیر از جمله: تفسیر طبری، کشاف، قرطبی، آلوسی، ابن کثیر، البحر المحيط و... استفاده بعمل آورده است .

۱۲- تفسیر ابو السعود:

«تفسیر إرشاد العقل السليم إلى مزايا الكتاب الکریم» تألیف: مفسر شیخ ابوالسعود محمد بن محمد بن مصطفی عمادی (متوفی ۹۸۲) از علمای ترک نژاد می باشد.

۱۳- تفسیر فی ظلال القرآن:

تألیف: سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی (متوفی سال ۱۳۸۷ هـ) .

۱۴- تفسیر الجامع لاحکام القرآن - قرطبی:

نام مؤلف: الام ابو عبد الله محمد بن احمد الانصاری القرطبی (متوفی سال ۶۷۱ هجری)

۱۵- تفسیر نور دکتور مصطفی خرم دل:

نام کامل تفسیر نور : «ترجمه معانی قرآن» تألیف : دکتر مصطفی خرم دل از کردستان : (متولد سال ۱۳۱۵ وفات ۱۳۹۹).

۱۶- تفسیر المیسر:

تألیف: دکتر عایض بن عبدالله القرني (اول جنوری ۱۹۵۹ مطابق ۱۳۷۹ میلادی)

۱۷- تفسیر معارف القرآن:

مؤلف: حضرت علامه مفتی محمد شفیع عثمانی دیوبندی مترجم مولانا شیخ الحدیث حضرت مولانا محمد یوسف حسین پور

۱۸- تفسیر خازان:

نام تفسیر : « لباب التاویل فی معانی التنزیل خازان » تألیف : علاء الدین علی بن محمد بغدادی مشهور به خازان (متولد ۶۷۸ و متوفای ۷۴۱ هجری می باشد).

۱۹- روح المعانی (آوسی):

تفسیر «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم» اثر محمود أفندی آوسی است. (۱۲۱۷ - ۱۲۷۰ق)

۲۰- جلال الدین سیوطی:

«الاتقان فی علوم القرآن» تفسیر الدار المنثور فی التفسیر با لمأثور»

مؤلف : حافظ جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر سیوطی شافعی . (۱۴۴۵- ۱۵۰۵م)

۲۱- زجاج: « تفسیر معانی القرآن فی التفسیر»:

مؤلف : آن الزجاج أو أبو إسحاق الزجاج أو أبو إسحاق إبراهيم بن محمد بن السری بن سهل الزجاج البغدادی است (۲۴۱ هجری - ۳۱۱ هجری ۸۵۵ - ۹۲۳ - میلادی)

۲۲- تفسیر ابن عطیة:

نام کامل تفسیر: «المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز ابن عطیة» بوده

مؤلف آن : أبو محمد عبد الحق بن غالب بن عبد الرحمن بن تمام بن عطیة الأندلسی المحاربی (المتوفی: ۵۴۲هـ)

۲۳- تفسیر قتادة:

أبو الخطاب قتادة بن دعامة بن عکابة الدوسی بصری (۶۱ هـ - ۱۱۸ هـ، ۶۸۰-۷۳۶م)

وی از جمله تابعین بوده ، وی علم لغت و تاریخ عرب و نسب شناسی، حدیث، شعر عرب، تفسیر، علم داشت و حافظ بود ، در بصره عراق زندگی بسر برده ولی نابینا بود. امام احمد حنبل درباره او می گوید: «او با حافظترین اهل بصره بود و چیزی نمی شنید مگر اینکه آن را حفظ می کرد، من یک بار صحیفه جابر را برای او خواندم و او حفظ شد.» حافظه او در طول تاریخ ضرب المثل بود. او در عراق به مرض طاعون در گذشت.

۲۴- تفسیر بیضاوی:

تفسیر الیضاوی (انوار التنزیل و اسرار التاویل) مؤلف : مفسر کبیر جهان اسلام شیخ ناصر الدین عبدالله بیضاوی .

۲۵- تفسیر کشاف مشهور به تفسیر زمخشری.

« تفسیر الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التاویل » مشهور به تفسیر کشاف. مؤلف : جارالله

زمخشری (۲۷ رجب ۴۶۷ - ۹ ذیحجه ۵۳۸ هـ)

۲۶- تفسیر مختصر:

تفسیر ابن کثیر: مؤلف: ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب طبری مشهور به جریر طبری متولد ۲۲۴ وفات ۳۱۰ هجری قمری در بغداد (۲۱۸ - ۳۰۱ هجری شمسی). تاریخ طبری مشهور به پدر علم و تاریخ و تفسیر است

۲۷- مفسر صاوی المالکی :

«حاشیة الصاوی علی تفسیر الجلالین فی التفسیر القرآن الکریم» مؤلف : احمد بن محمد صاوی (۱۱۷۵-۱۲۴۱ق) است.

۲۸- فیض الباری شرح صحیح البخاری: داکتر عبد الرحیم فیروز هروی

۲۹- صحیح مسلم - وصحیح البخاری: (گرد آورنده : مسلم بن حجاج نیشاپوری مشهور به امام مسلم که در سال ۲۶۱ هجری قمری وفات نمود .

وگرد آورنده صحیح البخاری : حافظ ابو عبد الله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزبه بخاری (۱۹۴ - ۲۵۶ هجری)

۳۰- سعید حوی :

حَوّی، سعید، حَوّی، سعید، مفسر «الاساس فی التفسیر (یازده جلد؛ قاهره ۱۴۰۵)، که از مهم‌ترین و اثرگذارترین آثار حوی به شمار می‌آید.

۳۱- مفردات الفاظ القرآن:

از راغب اصفهانی. (خیر الدین زرکلی در کتاب «الأعلام» گفته : او اهل اصفهان بود اما در بغداد سکونت گزید، ادیب مشهوری بود، و در سال ۵۰۲ هجری قمری وفات کرد». امام فخرالدین رازی در کتاب «تاسیس التقدیس» در علم اصول ذکر کرده که راغب از ائمه اهل سنت است و مقارن با غزالی بود. (بغیة الوعاة ۲ / ۲۹۷ ، وأساس التقدیس صفحه ۷). .